



ترجمہ فارسی تفسیر جلالین

بہ الطام تعلقات و ناسی برپارہ امی از آیات

مؤلفین : جلال الدین محمد بن احمد محلی
جلال الدین عبدالرحمن بن سیوطی

مترجم : حسین رستمی



سرشناسه : محلی ، محمد بن احمد ۷۹۱-۸۶۴ ق

عنوان قراردادی : تفسیر الجلالین فارسی

عنوان و نام پدید آور : ترجمه فارسی تفسیر جلالین به انضمام تعلیقات و حواشی بر پاره ای از آیات /

مؤلف جلال الدین محمد بن احمد محلی ، جلال الدین عبدالرحمن بن سیوطی . مترجم حسین رستمی .

مشخصات نشر : ارومیه حسینی اصل ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری : ۱۵۰۰ ص

شابک : ۷-۱۱-۲۴۹-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : فارسی - عربی

یادداشت : کتاب نامه به صورت زیر نویس

موضوع : تفاسیر اهل سنت - قرن ۹ ق

شناسه افزوده : سیوطی ، عبدالرحمن بن ابی بکر ، ۸۴۹-۹۱۱ ق

شناسه افزوده : حسینی ، حسین ۱۳۵۲-مترجم

رده بندی کنگره : ۷۰۴۱ : ۹۶ م ۳ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۱۷۱

شماره کتابخانه ملی : ۲۸۰۰۰۰۰۰



ارومیه - خیابان شهید منتظری - پلاک ۲۳۵ - ۰۴۴۱

نام کتاب : ترجمه فارسی تفسیر جلالین

مؤلفین : جلال الدین محمد بن احمد محلی

جلال الدین عبدالرحمن ابن سیوطی

مترجم : حسین رستمی

صفحه آرای : خالد ایوبی نیا

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

چاپ : اول ۱۳۹۱

ناشر : مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل

شابک : ۷-۱۱-۲۴۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۴۸۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست سوره‌ها

مکی	۸۳۹	۲۹	العنکبوت
مکی	۸۵۵	۳۰	الرّوم
مکی	۸۶۸	۳۱	لقمان
مکی	۸۷۶	۳۲	السّجده
مدنی	۸۸۲	۳۳	الأحزاب
مکی	۹۰۲	۳۴	سبا
مکی	۹۱۵	۳۵	فاطر
مکی	۹۲۶	۳۶	یس
مکی	۹۴۰	۳۷	الصّافات
مکی	۹۶۴	۳۸	ص
مکی	۹۷۹	۳۹	الرّزمر
مکی	۹۹۹	۴۰	غافر
مکی	۱۰۱۷	۴۱	فُصِّلَت
مکی	۱۰۳۰	۴۲	الشّوری
مکی	۱۰۴۳	۴۳	الرّزخرف
مکی	۱۰۵۸	۴۴	الدّخان
مکی	۱۰۶۶	۴۵	الجاثی
مکی	۱۰۷۵	۴۶	حقاف
مدنی	۱۰۸۵	۴۷	محمّد
مدنی	۱۰۹۳	۴۸	الفتح
مدنی	۱۱۰۳	۴۹	الحجّرات
مکی	۱۱۰۹	۵۰	ق
مکی	۱۱۱۷	۵۱	الذّاریات
مکی	۱۱۲۵	۵۲	الطّور
مکی	۱۱۳۳	۵۳	النّجم
	۱۱۴۲	۵۴	القمر
مدنی	۱۱۵۱	۵۵	الرّحمن
مکی	۱۱۶۰	۵۶	الواقعه
مدنی	۱۱۷۱	۵۷	الحدید

سوره	شماره	صفحه	
الفاتحه	۱	۱	مکی
البقره	۲	۳	مدنی
آل عمران	۳	۱۱۴	مدنی
النساء	۴	۱۷۰	مدنی
المائده	۵	۲۳۳	مدنی
الانعام	۶	۲۷۶	مکی
اعراف	۷	۳۲۲	مکی
الانفال	۸	۳۷۰	مدنی
التوبه	۹	۳۹۰	مدنی
یونس	۱۰	۴۲۷	مکی
هود	۱۱	۴۵۴	مکی
یوسف	۱۲	۴۵۰	مکی
الرعد	۱۳	۵۱۴	مدنی
ابراهیم	۱۴	۵۱۷	مکی
الحجر	۱۵	۵۳۹	مکی
النحل	۱۶	۵۵۳	مکی
الإسراء	۱۷	۵۸۴	مکی
الکھف	۱۸	۶۱۰	مکی
مریم	۱۹	۶۳۴	مکی
طه	۲۰	۶۵۱	مکی
الأنبياء	۲۱	۶۷۴	مکی
الحجّ	۲۲	۶۹۵	مدنی
المؤمنون	۲۳	۷۱۴	مکی
التور	۲۴	۷۳۴	مدنی
الفرقان	۲۵	۷۵۴	مکی
الشّعراء	۲۶	۷۷۰	مکی
القل	۲۷	۷۹۸	مکی
القصص	۲۸	۸۱۷	مکی

فهرست سوره‌ها

مکی	۱۳۱۷	۸۷	الأعلى
مکی	۱۳۱۹	۸۸	الغاشية
مکی	۱۳۲۲	۸۹	الفجر
مکی	۱۳۲۶	۹۰	البَلَد
مکی	۱۳۲۹	۹۱	الشَّمْس
مکی	۱۳۳۱	۹۲	اللیل
مکی	۱۳۳۳	۹۳	الصَّحی
مکی	۱۳۳۵	۹۴	الشَّرَح
مکی	۱۳۳۶	۹۵	التَّین
مکی	۱۳۳۸	۹۶	العلق
مکی	۱۳۴۱	۹۷	القدر
مدنی	۱۳۴۲	۹۸	البیتة
مدنی	۱۳۴۴	۹۹	الزَّلْزَلَة
مکی	۱۳۴۶	۱۰۰	العادیات
مکی	۱۳۴۸	۱۰۱	القارعة
مکی	۱۳۵۰	۱۰۲	التَّكْوِیْر
مکی	۱۳۵۱	۱۰۳	نصر
مکی	۱۳۵۲	۱۰۴	الهمزة
مکی	۱۳۵۳	۱۰۵	الفیل
مکی	۱۳۵۴	۱۰۶	قُرْیَیْش
مکی	۱۳۵۵	۱۰۷	الشمس
مکی	۱۳۵۶	۱۰۸	الکوثر
مکی	۱۳۵۷	۱۰۹	الکافرون
مدنی	۱۳۵۸	۱۱۰	النَّصْر
مکی	۱۳۵۹	۱۱۱	المَسَد
مکی	۱۳۶۰	۱۱۲	الإخلاص
مکی	۱۳۶۱	۱۱۳	الفلق
مکی	۱۳۶۲	۱۱۴	النَّاس

مدنی	۱۱۷۹	۵۸	المجادله
مدنی	۱۱۸۶	۵۹	الحشر
مدنی	۱۱۹۲	۶۰	المُمْتَحِنَة
مدنی	۱۱۹۸	۶۱	الصَّف
مدنی	۱۲۰۲	۶۲	الجُمُعَة
مدنی	۱۲۰۵	۶۳	الاحقون
مدنی	۱۲۰۸	۶۴	التَّغَابِن
مدنی	۱۲۱۲	۶۵	الطَّلَاق
مدنی	۱۲۱۷	۶۶	التَّحْرِیم
مکی	۱۲۲۱	۶۷	الحج
مکی	۱۲۲۷	۶۸	المحکم
مکی	۱۲۳۰	۶۹	الحاقه
مکی	۱۲۴۰	۷۰	المعارج
مکی	۱۲۴۶	۷۱	نوح
مکی	۱۲۵۱	۷۲	الجن
مکی	۱۲۵۶	۷۳	المزمل
مکی	۱۲۶۰	۷۴	المُدَّثِّر
مدنی	۱۲۶۷	۷۵	القیامة
مدنی	۱۲۷۲	۷۶	الإنسان
مکی	۱۲۷۷	۷۷	المُرسلات
مکی	۱۲۸۳	۷۸	النَّبَا
مکی	۱۲۸۸	۷۹	التَّارَعَات
مکی	۱۲۹۴	۸۰	عَبَسَ
مکی	۱۲۹۹	۸۱	التَّكْوِیْر
مکی	۱۳۰۳	۸۲	الانفطار
مکی	۱۳۰۵	۸۳	المطففين
مکی	۱۳۰۹	۸۴	الانشقاق
مکی	۱۳۱۲	۸۵	البروج
مکی	۱۳۱۵	۸۶	الطَّارِق

فهرست جزءهای قرآن

جزء اول	از ابتدای سوره‌ی حمد تا پایان آیه ۱۴۱ سوره بقره	۱
جزء دوم	از آیه ۱۴۲ سوره بقره تا پایان آیه ۲۵۲ سوره بقره	۴۹
جزء سوم	از ابتدای آیه ۲۵۳ سوره بقره تا پایان آیه ۹۱ سوره آل عمران	۹۸
تفسیر جزء چهارم	از آیه ۹۲ سوره آل عمران تا پایان آیه ۲۳ سوره نساء	۱۳۹
تفسیر جزء پنجم	از آیه ۲۴ سوره نساء تا پایان آیه ۱۴۷ نساء	۱۸۱
تفسیر جزء ششم	از آیه ۱۴۸ سوره نساء تا پایان آیه ۸۲ سوره مائده	۲۲۳
تفسیر جزء هفتم	از ابتدای آیه ۸۳ سوره مائده تا پایان آیه ۱۱۰ سوره انعام	۲۶۲
تفسیر جزء هشتم	از ابتدای آیه ۱۱۱ سوره انعام تا پایان آیه ۸۷ سوره اعراف	۳۰۵
تفسیر جزء نهم	از ابتدای آیه ۸۸ سوره اعراف تا پایان آیه ۴۰ سوره انفال	۳۴۲
تفسیر جزء دهم	از ابتدای آیه ۴۱ سوره انفال تا پایان آیه ۹۳ سوره توبه	۳۸۰
تفسیر جزء یازدهم	از آیه ۹۴ سوره توبه تا پایان آیه ۵ سوره هود	۴۱۶
تفسیر جزء شانزدهم	از ابتدای آیه ۶ سوره هود تا پایان آیه ۵۲ سوره یوسف	۴۵۶
تفسیر جزء سیزدهم	از آیه ۵۳ سوره یوسف تا پایان سوره ابراهیم	۴۹۹
تفسیر جزء چهاردهم	از ابتدای سوره یحیی تا پایان سوره نحل	۵۳۹
تفسیر جزء پانزدهم	از ابتدای سوره طه تا پایان آیه ۷۴ سوره کهف	۵۸۴
تفسیر جزء شانزدهم	از ابتدای آیه ۱ سوره کهف تا پایان سوره طه	۶۲۷
تفسیر جزء هیفدهم	از ابتدای سوره انبیاء تا پایان سوره حج	۶۷۴
تفسیر جزء هیجدهم	از ابتدای سوره مؤمنون تا پایان آیه ۱ سوره فرقان	۷۱۴
تفسیر جزء نوزدهم	از ابتدای آیه ۲۱ سوره فرقان تا پایان سوره نمل	۷۵۹
تفسیر جزء بیستم	از ابتدای آیه ۵۶ سوره نمل تا پایان آیه ۲۱ سوره عنکبوت	۸۰۹
تفسیر جزء بیست و یکم	از ابتدای آیه ۴۶ سوره عنکبوت تا پایان آیه ۱ سوره احزاب	۸۴۹
تفسیر جزء بیست و دوم	از ابتدای آیه ۳۱ سوره احزاب تا پایان آیه ۲۷ سوره آل عمران	۸۹۱
تفسیر جزء بیست و سوم	از ابتدای آیه ۲۸ سوره آل عمران تا پایان آیه ۳۱ سوره آل عمران	۹۳۰
تفسیر جزء بیست و چهارم	از ابتدای آیه ۳۲ سوره آل عمران تا پایان آیه ۴۶ سوره فصلت	۹۸۹
تفسیر جزء بیست و پنجم	از ابتدای آیه ۴۷ سوره فصلت تا پایان آیه ۳۲ سوره فصلت	۱۰۲۷
تفسیر جزء بیست و ششم	از ابتدای آیه ۳۳ سوره جاثیه تا پایان آیه ۳۰ سوره ذاریات	۱۰۷۳
تفسیر جزء بیست و هفتم	از ابتدای آیه ۳۱ سوره ذاریات تا پایان سوره حدید	۱۱۱۲
تفسیر جزء بیست و نهم	از ابتدای سوره ملک تا پایان سوره مرسلات	۱۲۳۱
تفسیر جزء سی‌ام	از ابتدای سوره نبا تا پایان سوره ناس	۱۲۸۱

گر تو می‌خواهی مسلمان زیستن
نیست ممکن جز به قرآن زیستن
(اقبال لاهوری)

بشر بر سرشتی است که همواره جویای حقیقت است، به دیگر سخن حقیقت‌یابی ترجمان اندیشه‌ی بشری است که مدام در مخیله‌ی خود می‌پرورد و هرگز از او جدا نمی‌گردد. انسان باید بیندیشد و این اندیشه حق اوست، تا بلکه در راه حق گام بردارد و به معرفت الهی برسد. این جواب این سؤال است و بسیاری دیگر از سؤالات که همواره اذهان انسانی را به خود مشغول می‌دارد و حساس‌های برتر انسانی را به غلیان می‌اندازد کجاست؟ قطعاً تنها منبعی که می‌تواند پاسخ‌گوی این نوعی روح نا آرام بشری باشد قرآن است. در دنیای امروزی هیچ منبعی موثّق‌تر، مطمئن‌تر، محکم‌تر، و جامع‌تر از قرآن یافت نمی‌شود که نیاز روحی بشر را جواب گوید و روح نا آرام و مضطرب را سامان بخشد. این حقیقتی است که هر انسانی را اعم از مسلمان و غیر مسلمان وادار می‌سازد که در قرآن تأمل ورزد و در اندیشدن در آن تجدید نظر کند.

شاید این سؤال پیش آید که: ارزش قرآن در چیست؟ او چه تفاوتی با دیگر کتاب‌های آسمانی دارد؟ چرا این همه در مورد این کتاب اثر نوشته شده است؟ پاسخی که می‌توان به تمام این سؤالات داد، این است که قرآن اساساً یگانه است، ماندنی ندارد، کسی نمی‌تواند مانند آن را بگوید یا بیاورد، ساده و بی‌شکاف است، محکم و استوار است، جذاب است به گونه‌ای که هر خواننده و صاحب اندیشه‌ی را به خود مجذوب می‌دارد، گستره‌ای است از اندیشه‌های بکر، عرصه‌ی جولان فکر و اندیشه است حساب شده و متین است، از واژگان بسیار زیبا و دلنشین و در عین حال با بار معانی فراوان آمیخته شده است، به گونه‌ای که گاه یک کلمه یا یک عبارت یا یک جمله خود به تنهایی معجزه‌ای به شمار می‌رود. همه‌ی این موارد و نظایر آن که در مورد قرآن گفته شده، نشان از بی‌رقیبی و یگانه بودن قرآن دارد. همین امر اعجاز آن را بیش از پیش برجسته‌تر می‌کند. در طول قرون متمادی، علوم و فناوری روز نه تنها لطمه‌ای به این کتاب گرانسنگ نزده، بلکه همواره بر

ارزش‌های اعجازی آن افزوده است. قرآنی که مؤلفی جز خدا ندارد، یعنی بر روی شناسه‌ی آن جز نام خدا نیست، نه نام محمد ﷺ بر آن حک شده، نه عیسی، نه موسی، نه یوحنا، نه مرقس، نه لوقا و نه پولس و نه هیچ جنبنده‌ی دیگر. این به چه معنی است؟! این به تنهایی - بر پایه‌ی علمی - برای اعجاز آن کافی است.

آن کتابی است آسمانی، ارزشمند، متعالی، هدفمند، مطهر، محکم، نظام مند، هدایتگر و اعجاز آور که هم از لحاظ محتوی و هم از حیث ظاهری و هم از منظر مستندات تاریخی و باین عقلی بر تمام کتب آسمانی دیگر رجحان دارد، به دیگر سخن نسخ و مکمل تمام ادیان الهی است. قرن تنها زبان زنده‌ی دنیاست که بعد از چهارده قرن هنوز تازگی و طراوت خود را از دست نداده است، و هنوز مردم آن را می‌خوانند و فهم می‌کنند، و نیازی به ترجمه‌ی آن نیست. اما زبان کتاب‌های آسمانی دیگر مرده است، یعنی دیگر در عصر حاضر کسی با این نحوه‌ی زبان آشنا نیست، و آنچه در دست مردم است یا به زبان‌های دیگر ترجمه شده یا تخصص‌های ویژه‌ی برای فهم واژگان و عبارات و جملات آن لازم است. جان بایر ناس در همین خصوص بسیار زیبا به این مطلب اشاره می‌کند و می‌نویسد: «کشور عرب دارای کتابی آسمانی گردید. کتابی که در صحت و تازگی و درست‌بهره‌ی صحف یهود و مسیحی امتیاز و رجحان دارد» (جان بایر ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۷۱۹).

«این قرآن راه جویان را راهست، و بار خواهان را بار است، و مؤمنان را شفیع و گواه است، امروز بشارت است و رحمت و فردا عزّ و ناز و کرامت. امروز رشاد و است راهی و فردا از عقوبت آزادی، مؤمنان را میراند به زمام حقّ در راه صدق، بر حق صواب، بر چراغ هدی و بدرقه مصطفی ﷺ، روزی به نجات وادی به وادی میراند، منزل به منزل منزل علم، پس منزل عمل، پس منزل صدق و اخلاص، پس منزل مهر و محبت تا فرو آرد بعد صدق عند ملیک مقتدر» (کشف الاسرار، ۱۰: ۹-۱۰).

روش ترجمه:

در ترجمه‌ی این اثر گران‌بها، از کتاب‌ها و تفاسیر و ترجمه‌های مختلفی استفاده شده است که در مراجع درج شده‌اند. اما آن منابعی که زیاد مورد توجه بوده‌اند، در ابتدا اثر ارزشمند، استاد فرزانه و موّحد جامعه‌ی اسلامی، دکتر مصطفی خرم‌دل است. این تفسیر به دلیل زیبایی.

ظاهری و باطنی آن، و به دلیل تازگی و به‌روزرسانی آیات، نزد مترجم بسیار حائز اهمیت بوده و کم‌تر آیه‌ای هست که قبل از نگارش آن به این تفسیر ارزشمند مراجعه نشده باشد؛ از ترجمه‌ها نیز علاوه بر این که ترجمه‌ی استاد فرهیخته آقای فولادوند از نظر گذشته است، به ترجمه‌های انصاریان، قمشه‌ای و مکارم شیرازی نیز نظر شده است. در توضیح آیات بیشتر به تفسیر کشف الاسرار مراجعه شده و در احادیث تفسیر ابن کثیر مد نظر بوده است.

روش کار:

یکی از کارهایی که در اصل ترجمه‌ی متن صورت گرفته، به‌روزرسانی آن است، یعنی مترجم بر پایه‌ی روشی که تفسیر را از حال و هوای قرون گذشته به درآورده و شکلی امروزی بدان بخشیده یکی از این موارد عمومیت بخشیدن آیات است. سیوطی بیشتر آیات را معطوف به اهل بیت کرده و در بیشتر آیات در تفسیر خود لفظ «ای مشرکان مکه» را آورده است. مترجم لفظ «مکه» را در بیشتر جاها برداشته، و لفظ عام را به آن بخشیده است، و این نظر مترجم نیست، بلکه اتفاقاً تمام مفسران و علمای اسلامی، لفظ‌های خاص قرآن مفهومی عام دارند و اگرچه در برخی آیات یک اهل و قبیله یا فرد خاصی چون پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار داده، اما به لحاظ توسع معنای تمام مردم جهان را مد نظر دارد، حال برخی آیات تنها به مسلمانان جهان معطوف می‌شوند و برخی دیگر نیز به تمام مردم جهان ارتباط می‌یابند. مورد دیگر این است که دخل و تصرفاتی اندک نیز در آن داده شده است، آن هم نه به صورتی که مفهوم یا مقصود مفسر در آن مورد تعریف قرار گیرد، بلکه برای این که آیات قابل فهم‌تر و ساده‌تر و امروزی‌تر باشد، در برخی آیات مطالبی بر آن افزوده شده است، آن هم فقط برای روشن‌تر شدن معنی آیات؛ و برخی مواردی که تفسیری با زائد بوده‌اند، که اندک‌شمار نیز هستند در حین ترجمه حذف شده‌اند، بدون آن که لفظی به معنی زده یا از مضمون و پرباری کلام کاسته باشد.

شیوه‌ی نگارشی مترجم به گونه‌ای تنظیم شده که اصل ترجمه استقلال خود را داشته باشد، به این معنی که ترجمه‌ی هر آیه دارای دو بافت جمله‌ی پیوسته و هماهنگ است، یعنی هم می‌توان ترجمه‌ی یک آیه را با تفسیر خواند و هم بدون تفسیر و تنها به ترجمه‌ی آن اکتفا نمود، در هر دو صورت بافت جملات به هم نخواهد خورد. ترجمه و تفسیر به دو رنگ

مختلف از هم تفکیک داده شده، و تفسیر نیز که مفاهیم افزون بر واژگان ظاهری قرآن است طبق قاعده‌ی نشانه‌گذاری، در داخل قلاب قرار گرفته است، و در برخی موارد که اصل تفسیر در بافت جملات زائد تلقی شده، یعنی توضیحی در مورد آیه یا عبارتی بوده، در پاورقی آورده شده و سند آن نیز «تفسیر جلالین» درج گردیده است، تا معلوم شود که به اصل متن تفسیر مربوط است، و هرجا که توضیح مربوط به مترجم بوده، در سند آن واژه‌ی «مترجم» قید شده است. اما آن جایی که تنها ترجمه‌ی اثر، مترجم را اقناع ننموده است، هر جا که لازم دیده، در مورد آیات و عبارات و واژگان مباحثی بدان افزوده است و آن را با ذکر منبع در پاورقی درج کرده است. این موارد در حیطه‌های مختلف علمی، فلسفی، کلامی، تفسیری، نقدی و تحلیلی مجال بیان یافته است که هر صاحب اندیشه‌ای را - موافق یا مخالف - به کار می‌آید. از آن جایی که دیدگاه مترجم در هر کاری یک دیدی انتقادی است، در هر جا مجال به چالش کشیدن اندیشه‌ای بوده به آن اهتمام داشته است، و هدف بیشتر باز کردن دری به سوی اندیشیدن و دریدن پرده‌های غصب‌بارانه است. زیرا نظر بر این است که حقیقت را باید برای حقیقت جست.

حسین رستمی

۱۳۹۱/۳/۸

جزء اول* از ابتدای سوره‌ی حمد تا پایان آیه ۱۴۱ سوره بقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خداوند بخشایش‌گر مهربان. ﴿الفاتحة، ۱﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

﴿(الحمد لله) جمله‌ای است خبری که هدف از آن ثنا و مدح باری تعالی است. مضمون آن این است که:﴾ حضرت حق مالک جمیع ستایش‌های بسزا و ثناهای نیکوی خلق است. او تنها کسی است که لیاقت و شایستگی آن را دارد که او را مدح گویند و اوست که معبود به حق^۱ و پروردگار عالمین^۲ است. [یعنی: الله مالک و آفریننده‌ی تمام عالم کونین است، عالمی که جن و انس و ملائکه و جانوران و غیر آن‌ها را در بر می‌گیرد.] ﴿الفاتحة، ۲﴾

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

خدای بخشایش‌دهی مهربان؛ یعنی: خدایی که صاحب رحمت و بخشش است و اراده‌ی او بر کسانی که شایستگی و لیاقت آن را دارند، همواره خیر و نیکی است. ﴿الفاتحة، ۳﴾

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

مالک یوم دین است؛ [یعنی: مسعود از «دین» روز جزا و روز قیامت است. اگر در آیه‌ی مذکور «مالک»^۳ قرائت شود، بدین معنا خواهد بود: که خداوند مالک تمام امور در روز قیامت است، و اگر کسی آن را «مَلِک» بخواند، معنای آن به «لکم» «لَمَن الْمَلِکَ الْيَوْمَ...» چنین خواهد بود که حاکمیتی به جز خدای بزرگ نیست. ﴿الفاتحة، ۴﴾

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

^۱ - میدی در تفسیر خود در مورد این جمله از قول الله تعالی می‌گوید: خداوند فرمود: «من خود را ستایش بسزا گفتم شما نیز بستانید و ثنا گوید که من ستایش و ثنا دوست دارم» (کشف الاسرار، ۱۳۷۱: ۹/۱).

^۲ - سعید جبیر عالمین را به دو عالم جن و انس اطلاق کرده است. ابوعبیده، فراء و اخفش اشتقاق آن را از «عَم» گرفته و گفته‌اند: منظور کسانی هستند که دارای تمیز و خردند و این شامل ملائکه و جن و انس می‌باشد. اما حسن و مجاهد و قتاده آن را بر تمام مخلوقات اطلاق کرده‌اند (همان، ۱۲/۱).

^۳ - قرائت هر دو صورت؛ یعنی، مالک با الف و ملک بدون الف از پیامبر ﷺ روایت شده است. عاصم، کسانی و یعقوب آن را با الف و باقی آن را بدون الف قرائت کرده‌اند (همان، ۱۴/۱).